

پژوهش‌های علوم انسانی
سال هفتم
ایران‌شناسی

● تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۲۶) / ایرج افشار
● دشت بیات / دکتر منوچهر ستوده

تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۲۶)*

۵۲۲- دنیس اگل

چندی بود از دنیس اگل D. Aigle بی‌خبر بودم. نخستین بار او را حدود بیست سال پیش نزد استادش ژان اوین دیدم. اوین از دوره تحصیلش در تهران، دوست من بود (ح ۱۳۲۸). اوین از اگل معرفی ستایش‌انگیزی کرد. معمول او نبود که از شاگردانش آنطور تحسین کند. بعدها دریافتم که اگل را ادامه‌دهنده تفکرات علمی خود در عرضه و عرصه مباحث تاریخی می‌داند.

اگل چند سال پیش کوشش به کار برد که چند تن از مورخان را به نگارش مقالاتی درباره ایران عصر مغول وا دارد. به این کار موفق شد و کتابش انتشار یافت. همراه نامه‌ای که تازه از او به دستم رسید فهرستی از کارهایش را دیدم و چند کار چاپ شده‌اش را. اگل به چند زمینه علاقه‌مندست. هنگامی که او را با اوین دیدم به تحقیق در وضع سیاسی و فرهنگی فارس در عهد مغول مشغول بود. پس از آن دیدم که به بررسی اجتماعی احوال اولیا و عرفا علاقه‌مند شده است. کتابی هم به نام اولیای اسلامی Saints Orientaux منتشر کرد (۱۹۹۵) و چون مدتی از مطالعاتش به اوضاع و احوال فارس مصروف شده بود تحقیقی را که درباره شیخ مرشد کازرونی

*- ازین شماره به هر یک از مطالب مندرج درین سلسله یادداشتها شماره‌ای داده می‌شود که برای ارجاع کردن

کرده بود در مجموعه مذکور مندرج ساخت.

کتاب مفصل دیگری به نام Miracle et Karama (معجزه و کرامت) (۶۹۰ صفحه) زیر نظر او نشر شد که دنباله کتاب نخستین او است. این هر دو از سلسله Hagiographie اوست. اخیراً هم کتابی درباره طریقه شمنی و مذاهب جهانی انتشار داده است (۲۰۰۰).

راستی یک شماره هم از مجله «جهان اسلام و مدیترانه» در ۳۸۲ صفحه با عنوان «چهره‌های اساطیری جهان مسلمان» به نظارت او انتشار یافته و در آن این مقاله‌ها نشر شده است که با رشته ایران‌شناسی مرتبط است:

- اولیاءالله و بقاع زیارتی در تواریخ ناحیه سیرام قرن هجدهم و نوزدهم از دون دو ویزه.

- دوباره نویسی تاریخ مغول از بثاتریس مانز.

- شمس و طغری، چهره‌های قصه‌ای عصر مغول ایران از کریستف بالائی

- احمد یسوی قهرمان اقوام جمهوریهای تازه تأسیس ماوراءالنهر از تیری زارکونه.

دیگر مقاله‌ها درباره صلاح الدین ایوبی، اسکندر ذوالقرنین و قهرمانهای سرزمینهای اطراف ولگا و چین است. مقاله‌ای با عنوان اسلاف قرون وسطایی اتاتورک: بیلگه خاقان و الب ارسلان گویای وضع اساطیری افکار میان مردم کنونی ترکیه است.

از مقالات دیگر او (از میان نوزده مقاله بر شمرده شده در فهرست کارهایش) مضامین چند تا

را نام می‌برم.

- جداول سلسله‌ها در کتاب منتخب التواریخ معینی.

- شرح حال عارفان براساس نوشته عطار و جامی.

- شیخ ابواسحق کازرونی در محیط روستایی.

- جذابت و نقش اجتماعی عرفا در ایران قرون وسطی.

- فواید فرهنگهای شرح احوالی.

- وضع شناسایی عارفان در کار مورخان.

- علمای دینی، طبقه‌ای از جامعه مسلمان.

- عرفان اهل تسنن در فارس

- چنگیزخان و تیمور لنگ نمونه‌های اسطوره‌ای.

۵۲۳- دکتر مصدق و مجله علمی

دکتر مصدق پس از بازگشت از سفر تحصیلی اروپا (سال ۱۳۳۲) با همراهی چند تن از

تحصیل‌کردگان دیگر فرنگ دیده مجله‌ای را به نام «علمی» منتشر می‌کردند. افرادی که آن را بنیاد

نهادند به عنوان «هیأت مدیره» عبارت بوده‌اند از: مصدق السلطنه، امیر سهام الدین غفاری، محمدعلی سالار معظم مافی، نصره‌الدوله فیروز، یحیی اعتمادالدوله قراگوزلو، صالح لقمان، موسی شیبانی (ذکاء السلطنه). این مجله‌ها از جدی ۱۲۹۳ تا میزان ۱۲۹۴ در ده شماره نشر شده است. از طرف هیأت مدیره نام حسین طهرانی در صفحه آخر مجله آمده است.

محمد صدر هاشمی در صفحه ۴۵ جلد چهارم اسامی نویسندگانی را که در شماره‌های چهارم تا نهم مقاله داشته‌اند چنین آورده است: حاجی میرزا یحیی دولت آبادی - عبدالحسین وحید الملک شیبانی - مهدی مافی سعدالملک (او بعدها مجله ادبی را انتشار داد) - حاجی ندیم باشی خراسانی - احمد بن عین الممالک (یعنی دکتر احمد متین دفتری) - موسی شیبانی ذکاء السلطنه - محمدعلی مافی سالار معظم - حاجی دکتر محمودخان (؟) - ابوالقاسم بن اعتصام الملک - امیر جلال‌الدین غفاری - دکتر حسینقلی خان [فزل ایغ] - افراسیاب آزاد - حبیب‌الله عین‌الملک [هویدا] - امیرزا سید هادی آیه‌الله زاده افجه‌ای - محمدحسین بروجردی.

من موقعی که جلد اول فهرست مقالات فارسی را تهیه می‌کردم به مجله علمی دسترسی یافتیم و دوره‌ای از آن را برای کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی فراهم ساخته بودم. چند روز قبل آقای علی مصدق عکس نامه‌ای را به من داد که دکتر مصدق در موضوع مجله مذکور ظاهراً به سالار معظم مافی نوشته بوده است، به قرینه آنکه اصل نامه در خانواده مافی است. چون اطلاعی است درباره آن مجله درج آن را مناسب دید.

۹ شوال ۱۳۳۳

قربانت شوم اگر می‌دانستم که شهر تشریف دارید تاکنون شرفیاب شده بودم. ولی چند روز قبل آقای ذکاء السلطنه فرمودند که در شهر تشریف دارید و بنده هم عازم شرفیابی بوده و هستم و امیدوارم بزودی زیارت جنابعالی مرزوق شود.

جواب مقاله که در نمره هشتم مجله علمی درج شده است آقای شیخ محمدعلی که از دوستان بنده هستند مرقوم فرموده به بنده داده‌اند تقدیم خدمت نمایم و استدعای ایشان این است که در شماره نهم درج شود که بین شماره شوال و جواب شماره دیگری نباشد. دیگر اختیار با خود حضرت عالی است.

مقاله که راجع به کنفرانس دکتر نجات الله خان بود و در مدرسه سادات تقدیم نمودم در شماره هشتم درج نشده بود. اگر مقاله مزبور قابل درج نیست مرحمت فرمائید که برای آقای دکتر نجات الله خان صاحب مقاله فرستاده شود. زیاده عرضی ندارد. مصدق

شیخ محمدعلی به احتمال قریب به یقین شیخ محمدعلی طهرانی کاتوزیان است.

وقت هم اگر مردیم چه کنیم
 داریم تا کنون غایب شدیم در چه روز
 قهر آنرا که در لفظه و حضور در آن روز
 داریم زنده و غایب آنرا در روز
 در هر دو روز رفوز از این صحنه
 حیات بقا که نبردیم و نبردیم
 آنرا که نبردیم در این سال
 مردی زوجه نبردیم و نبردیم
 نام ده سالگی

در این روزها که در این روزها
 در این روزها که در این روزها
 در این روزها که در این روزها
 در این روزها که در این روزها
 در این روزها که در این روزها
 در این روزها که در این روزها
 در این روزها که در این روزها
 در این روزها که در این روزها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در سال ۱۳۴۳
 بعد از آنکه نبردیم
 روح نبردیم در این روزها
 حیات بقا که نبردیم
 نام ده سالگی

عکس‌نامه که با امضای «مصدق» است در همین شماره به چاپ می‌رسد.

۵۲۴- در کتابخانه الفرقان

مؤسسه الفرقان در لندن - که هدفش شناساندن نسخه‌های خطی اسلامی است - کتابخانه‌ای اختصاصی دارد. درین کتابخانه فهرستها، کتابشناسیها و اهم متنهای عربی و فارسی و ترکی جمع‌آوری می‌شود. هر بار که به آنجا سر می‌کشم دست خالی باز نمی‌گردم. تازه‌هایی را می‌بینم که در ایران فرایاب نیست. این بار کتابی دیدم درباره خطوط اسلامی که در ژاپون چاپ شده. از آن چاپهای شکیل و مجلل خاص آن مملکت. کتابی است که IRCICA (بخش فرهنگی کنفرانس اسلامی) در آن سرزمین چاپ کرده است (سال ۱۹۹۰). نام عربی کتاب «فن الخط» بوده و در یک صفحه نقل شده است. نمونه‌هایی است از خطوط قدیم و جدید از نسخه‌های مخطوط قرآن کهن و کتب دیگر. کلاً ۱۹۲ نمونه درین مجموعه آمده از خط کوفی تا خطهای امروزی. از نسخه‌های تاریخدار که در آن نمونه و در آمده اینهاست:

۳۷۶ - بخشی از قرآن مجید

۴۰۸ - خط علی بن هلال

۵۷۳ - قرآن خط ابوبکر بن احمد بن عبیدالله غزنوی

۵۷۸ - خط محمد بن عبدالله بن محمد بن علی بن عطوس در بلنیه

۶۸۵ - یاقوت مستعصمی، قرآن در بغداد

۶۹۰ - یاقوت مستعصمی، قرآن در بغداد

۷۱۰ - قطعه خط احمد بن سهروردی

۷۱۴ - قطعه خط عبدالله بن محمود صیرفی

۷۲۳ - قطعه خط مبارکشاه بن قطب

۷۳۵ - قطعه خط ارغوان

و قطعات و قرآنهای دیگر از خطوط خوشنویسان بعدی ولی اکثر آن از خطاطان ترک انتخاب شده است.

۵۲۵- مجله آریانا

در بخش مجله‌ها چشمم به «آریانا» افتاد. آریانا مجله ادبی و تاریخی مشهوری بود که به زبان فارسی توسط انجمن تاریخ در کابل انتشار می‌یافت. دوره آن که سی و چهار سال متوالی نشر شد مهمترین نشریه جدی آن کشور بود.

اما آریانا‌ئی که درین جا دیدم به دنبالش ذکر «برون مرزی» شده است. نشریه سه ماهه شورای فرهنگی افغانستان است. درین کتابخانه فقط شماره اول سال دوم آن (بهار ۱۳۷۹) موجود بود. نام دکتر احمد جاوید را که از دانشگاه تهران دکتری ادبیات دریافت کرد و سالها استاد و رئیس دانشگاه کابل بود جزو هیأت تحریریه دیدم. شاد شدم که فعال شده است. علی محمد زهما، علی اکبر شهرستانی و عنایت الله شهرانی که هر سه برای محققان ایران نامهای آشناست و از نویسندگان آریانای پیشین بودند درین هیأت تحریریه جدید مشارکت دارند. رسول رهین مؤسس و مسؤل این مجله است. و محل انتشار آن در سوئد است.

برای اینکه علاقه‌مندان از مندرجات این نشریه آگاه شوند عناوین مقالات نقل می‌شود:

- سخنی چند درباره تاجیکهای افغانستان (از احمد جاوید)
- توضیحات مختصر بر نوشته پوهاند زیار (از راعی برلاس)
- طلیعه مطبوعات در افغانستان - راجع به سراج الاخبار (از رسول رهین)
- زندگی دهقانی و روستائی در خراسان قرون وسطی (از محمد اعظم سیستانی)
- سلطان محمود غزنوی، عدالت، اداره و دانش (از شاه علی اکبر شهرستانی)
- مهمل سرایی و پیشینه آن در ادب دری (از اسدالله شعور)
- افغانستان و آسیای میانه دستخوش بازیهای بزرگ (از محمد اکرم عثمان)
- عیاری از خراسان امیر حبیب‌الله کلکانی (از سعدالدین هاشمی)
- عشق خونریز [رابعه بلخی] (از سلطانه رهین)
- استاد جاوید (از ضیاء رهین)
- کتابشناسی تشریحی پیشینه افغانستان
- کتابشناسی تشریحی جاریه افغانستان.

۵۲۶ - کتاب در دنیای اسلام

مجموعه‌ای را که جرج عطیه به نام کتاب در دنیا اسلام در سال ۱۹۹۵ چاپ کرده است ندیده بودم. عنوانش *The Book in Islamic World* است و حاوی چهارده مقاله. نخستین مقاله از محسن مهدی است با عنوان «از عصر نسخه خطی تا روزگار کتاب چاپی». پس از آن مقاله ژاک بروک درباره متن قرآن است از وحی تا تدوین. فرائس روزنتال نظریه قدمای مؤلفان اسلامی را در اصول تألیف مطرح و سیدحسین نصر نقش اهمیت انتقال شفاهی را در تعلیمات اسلامی توضیح کرده است. آنماری شمیل به رابطه میان انسان و کتاب در ادبیات اسلامی پرداخته و مخصوصاً مواردی

را از ادبیات فارسی مطرح کرده است.

نوشته وداد القاضی دربارهٔ فرهنگهای طبقات و اعیان است مانند طبقات الفقهاء، طبقات الصوفیه، طبقات الشافعیه، و...

موضوع نوشتهٔ رمزی بعلبکی کتاب‌های دستوری (نحو) و وسعت آن در ادبیات عرب است. صلاح الدین المنجد به سهم زنان در خوشنویسی پرداخته است. البته از خوشنویسان زنان ایران خبری ندارد.

دیوید کینگ متخصص ابزارهای علمی نجومی به توضیح رموز تصاویری که از نسخه‌های خطی ریاضی و نجومی اسلامی به دست می‌آید پرداخته و مخصوصاً به نقشه‌های تعیین قبله اشارت کرده است. کاری که بعدها به صورت کتابی مفصل و دقیق از او انتشار یافت.

معرفی نسخهٔ شمارهٔ ۱۵۱۰ (شاهنامه) متعلق به خزینة طوپقاپی سرای (استانبول) و تمیزات و تحولاتی که در آن مطرح است مطلب مقالهٔ پرسیلا سوچک و فلز چقمان است. این نسخه دارای شمس‌ای است که نام سلطان حسین گوزکانی دارد و در رقمهای پایانی آن این انجامه‌ها دیده می‌شود

ورق ۷۷۵ ب: «کتابه و ذهبه... لطف الله بن یحیی بن محمد التبریزی المشتهر بکمال الجلالی... فی رجب المرجب سنة ست... و سبعمائه... (دست بردگی) فی دارالملک شیراز.

ورق ۴۸۴ ب: «علی یدالعبد... منصور بن محمد بن ورقه بن عمر بختیار بهبهانی من اعمال جبل جیلویه... لسته ثلاث (دست خورده)

ورق ۴۶۴ ب: «علی ید... منصور بن محمد بن ورقه بن عمر بن بختیار بهبهانی من اعمال کوه کیلویه فی محرم الحرام سنة احدی و ثمانمائه»

ورق ۷ الف: «کتابه ورقه بن عمر سمرقندی... بتاریخ سنة ثلاث و تسعمایه. در این نسخه از دورهٔ مظفریهای شیراز تا عصر تیموریان تصرفاتی سوداگرانه به کار رفته است.

در مقالهٔ ج. راپر تحولاتی را که می‌بینیم که در کتابت از دوران نسخه‌نویسی به صنعت چاپ پیش آمد و احمد فارس شیدیاق مؤسس مطبعة الجواثب در استانبول در آن مرحله مؤثر بوده است.

جرج عطیه سابقهٔ طبع کتاب در لبنان و مصر را مورد گفتگو قرار داده است.

۵۲۷- میراث علمی فریتز مایر

آنچه از یادداشتهای چاپ نشدهٔ فریتز مایر مانده است به توسط دو تن از دانشجویان برجسته

او Bernd Radtke, Gudrun Schubert به تدریج چاپ خواهد شد. نمونه، مقاله اسماعیلیه و تصوف است که بدین مشخصات به تازگی انتشار یافته است.

Ismailiten und Mystik im 12 und 13 Jahrhundert. Persica 16 (2000): 9 - 29

این مقاله را مایر به مناسبت پایان یافتن دوران تدریس بندیکت رینرت B. Reinert در ۱۹۹۷ که شاگرد خودش بود، به نام او نوشته بوده است. رینرت در دانشگاه زوریخ تدریس می‌کرد و بازنشسته شده است.

روتکه در همین شماره «پرسیکا» شرح حال مفصلی از استاد خود منتشر کرده است.

۵۲۸ - پرسیکا

شانزدهمین مجلد پرسیکا Pessica با ظاهری بهتر و حروف چینی دست بازانه‌تری چاپ شده است. طبعاً به صورت کنونی یکی از نشریات ایرانشناسی معتبر در شمار می‌آید. تأسیس‌کننده پرسیکا انجمن هلند و ایران بود در سال ۱۹۶۳. درین مدت شانزده دفتر از آن نشر شده است. هیأت محرران کنونی آن عبارت است از خ. ت. پ. دوپرون استاد بازنشسته دانشگاه لیدن - خ. ترهار Ter Haar - ک. هیلبراند از موزه ادینبورگ - ر. هیلبراند از دانشگاه ادینبورگ - ب. رادتکه (شاگرد مایر) W. J. Wogeland. همه مقالات پرسیکا درباره فرهنگ ایرانی است از عصر هخامنشی به بعد.

۵۲۹ - محلّ جغرافیایی اران

در کتاب الجغرافیا تألیف ابی الحسن علی بن موسی مغربی (متولد ۶۰۲ هجری) تعریف روشنی درباره رودخانه کر و بلاد اران و شهر نخجوان (نقجوان) آمده است. چون آن کتاب چندان شهرت ندارد و در دسترس عمومی نیست عبارتش برای بهره‌وری محققان نقل می‌شود. کتاب مذکور توسط اسماعیل العربی به سال ۱۹۷۰ در بیروت چاپ شده است. نوشته این جغرافیانویس مؤید و مصدق آن است که اران بخشی از شمال رودخانه ارس برکنار رود کر دانسته می‌شده است.

«قال ابن فاطمه و فی هذا الجزء يقع نهر الکر الكبير الذی یشق بلاد اران و ینصب فی بحر طبرستان... و قبل الابحاز قلعة لملکهم فی الجبل الطویل الذی لایرام و فی شرقیها علی جنوبی النهر من مدن اران المذكورة فی الکتب شمکور... و فی شمالی نهر الکر مدینة نقجوان و هی من المدن المذكورة فی شرقی اران.» کتاب الجغرافیا از ابی الحسن علی مغربی قرن هفتم، ص ۱۸۸ - ۱۸۹

۵۳۰ - ترجمه ایتالیایی گاه شماری

آقای کارلو سرتی C. Cereti ایتالیایی متخصص جوان در زبان پهلوی و تاریخ ادیان ایرانی که برای شرکت در کنگره ایران و توران به تهران آمده بود اظهار کرد کتاب «گاه شماری در ایران قدیم» نوشته تقی زاده توسط Simone Cristoforetti در دانشگاه ونیز ترجمه می شود و ج. اسکارچیا استاد ایرانشناسی آن دانشگاه بر کار او نظارت می کند.

۵۳۱ - نامه محمد حسن میرزا

محمد حسن میرزا، ولیعهد قاجار در سال ۱۳۱۰ شمسی نامه ای به مستوفی الممالک می نویسد تا او برای فروش باغات سلطنت آباد و اقدسیه که طبق تصویب مجلس به محمد حسن میرزا تعلق می داشت اقداماتی بنماید. این نامه جزو اوراق مستوفی الممالک در خانه صاحب اختیار غفاری بر جای مانده است. باید دانست مستوفی الممالک و صاحب اختیار از آن قبیل دوستان نزدیک بودند که در حد «خانه یکی» می بودند. مستوفی الممالک در خانه صاحب اختیار درگذشت. از بهرام غفاری که لطف کرد و چاپ این نامه را به من واگذار کرد تشکر می کنم نوشته به همان رسم الخط محمد حسن میرزا نقل می شود بی تصرف.

۷۴

۱۷ اوت ۱۹۳۱

جناب مستطاب اجل اشرف آقای مستوفی الممالک

با اینکه مایل نه بودم موجب مزاحمت بشوم ولی نظر به اهمیتی که موضوع ذیل در زندگانی آتیه اولادم دارد پس از تعمق و تفکر بسیار بخودم اجازه دادم که بوسیله این مکتوب مصدع واقع بشوم - البته در خاطر دارید که در مقابل مطالبات حقه و مشروعه من دولت وقت با تصویب مجلس شورای ملی باغات سلطنت آباد و اقدسیه را به ملکیت بمن واگذار نمودند - چندیست اینطور حس می شود که دولت مایل خریداری باغات مزبور ملک من می باشد لذا برای اینکه موافقت کامل از طرف من شده باشد مایلیم که آنچه در حدود امکان است در این موضوع عمل کرده باشم -

جناب اشرف کاملاً میدانید و قطع دارم همه هم میدانند که من هیچ قسم دارائی غیر از این دو ملک ندارم و اینها تنها سرمایه میباشند که بایستی بوسیله آن تأمین زندگانی آتیه پنج فرزندم بشود بنابراین هرگز نمی توانم تصور بکنم که در حق این اطفال اولیای امور بطریقی جز عدالت و انصاف عمل نمایند - طرز خریداری ممکن است بدو قسم صورت بگیرد - یا اینکه این املاک را تقویم و بقیمت عادلانه از من خریداری کنند - تقویم آنها خیلی سهل است: اراضی - باغات -

قنوات - اشجار - ابنیه - در طهران و اطراف آن قیمت معینی دارند - یا اینکه مبلغ سی هزار لیره که به نرخ رسمی امروز ۲۷۰،۰۰۰ تومان است از بابت قیمت باغات به من بپردازند - همه می دانند که قیمت حقیقی این املاک بیش از اینهاست ولی برای اینکه تحمیل زیادی نشده باشد و از طرفی وجدانم هم نسبت با اولادم آسوده باشد وجه فوق را تأمین این دو مقصود تشخیص دادم - در این صورت هر یک از آنها شش هزار لیره خواهند داشت و می توانند در آتیه یک طوری معاش خودشان را اداره بنمایند - سهلترین طریق ختم این عمل هم این خواهد بود که دولت به یکی از نمایندگان خود اختیار بدهد که در پاریس این معامله تمام بشود - در هر حال مقدرات پنج نفر طفل ایرانی را به آقا و اگزار می کنم و از آنجائیکه پاکی فطرت و بی غرضی حضرتعالی بهمه معلوم است امیدوارم که هر چه زودتر با اقدامات لازمه تکلیف این اطفال عادلانه و منصفانه روشن بشود - کاغذ را ختم و تجدید معذرت از این تصدیع می نمایم.

محمدحسن ح

۵۳۲ - خرنامه

آقای علی دهباشی چاپ تازه‌ای از کتاب «الحمار یحمل اسفارا» انتشار داده و نوشته مرحوم مجتبی مینوی را که در مجله راهنمای کتاب راجع به آن کتاب درج شده بود در مقدمه آورده است.

آقای دهباشی کتاب را از روی نسخه کتابخانه ملی که طبعاً متعلق به کتابخانه ناصرالدین شاه می بوده، چاپ کرده است. نسخه به نام منطق الحمار معرفی شده است. کتاب نخستین بار در ۱۳۰۶ به خط نسخ و به چاپ سنگی به قطع کوچک نشر می شود. سپس در سال ۱۳۲۲ قمری به حروف سربی و به قطع خشتی در مطبعه خورشید تجدید چاپ شده است. هر دو چاپ دارای تصویر نقاشی شده از الاغی است. چون آقای دهباشی آن را که مربوط به چاپ ۱۳۰۶ است به چاپ رسانیده من دلپذیر دیدم نقاشی چاپ ۱۳۲۲ را به انضمام کاریکاتوری که در جریده‌ای انگلیسی به تازگی یافته‌ام و مناسبت تمام با کتاب مذکور دارد درین یادداشتها به چاپ برسانم تا در چاپ دیگر - اگر انجام می شود - منعکس بشود.

IRAN - ۵۳۳

سی و هشتمین IRAN به لطف دکتر جان گرنی رسید. چون مندرجات شماره‌های پیشین را درین سلسله معرفی کرده‌ام به این شماره هم می پردازم.

- هشتمین گزارش حفریات و مطالعات مرو نخستین مقاله این شماره است.

- دکتر ایرج ملک مشیری درباره سکه‌های ضرب کرمان مقاله دارد.



● عكس صفحه اول كتاب «الحمار يحمل اسفارا» (چاپ ١٣٢٢ قمرى)



- سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید در موزه بریتانیا به قلم T. Mitchell
- نقش‌های سفالینه‌های بازیافته از خزینه نزدیک موسیان به قلم Y. Garfinkel
- بنو عراق در قرن چهارم هجری به قلم M. Fedrow
- مقرنس مثلثی در تخت سلیمان به قلم محمدعلی جلال Yaghan (که من نتوانستم ضبط درست فارسی آن را پیدا کنم).
- بررسی قالی باقی عصر صفوی به قلم Murray L. Eiland III (این نام هم تازگی دارد. اسمی که با عدد همگراست).
- یادداشتی درباره عبدالحسین فرمانفرما براساس اسناد انگلیسی به قلم سردنیس رایت (میان دو تن از فرزندان فرمانفرما و روایت اختلاف نظری در توجیه اسناد انگلیسی وجود دارد).
- وضع زرتشتیان یزد به قلم Nile Green
- تازه‌خواهی در اسلام و خودشناسی محمد اقبال لاهوری به قلم یاسین نورانی
- نگاهی نو به زمان و کارآوری شهر سوخته به قلم سرور غنیمتی
- گزارش‌های باستانشناسی.

۵۳۴- نصره الدوله «لیدر خائنین»

در اوراق صاحب اختیار نام‌های موجودست که نصره الدوله فیروز به احمد شاه نوشته است و در آن کسب اجازه شده است که نسبت به هتاک‌ی روزنامه «بامداد روشن» دفاع کند. متن نامه نصره الدوله و یادداشتی که مرحوم صاحب اختیار در آن باره به او نوشته بوده است چاپ می‌شود:

تصدق خاکپای جواهر آسای اقدست‌گردم
 معرک جسارت به عرض
 عریضه و تصدیع اوقات ولی نعمت عظمی ارواحنا فداء فرط استظهار و امیدواری به مرحوم ملوکانه است. در شماره ۹ بامداد روشن^۱ در ذیل مقاله اساسی «آزاد شدیم اما چه کردیم» نویسنده اسم خانزاد (= خانه‌زاد) را ذکر و به لقب «لیدر خائنین» مفتخرم ساخته می‌نویسد که خانزاد «در مقابل مهمترین مقامات رسمی ایران گفته‌ام: قربان ملت چه و چه مملکتی. تمام این

۱- این روزنامه به مدیریت محمدعلی خراسانی که بعداً نام خانوادگی «بامداد» را اختیار کرد (برادر مهدی بامداد) از ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ شروع به انتشار کرد. محمد صدر هاشمی آن را «یکی از روزنامه‌های خوب و مفید آن ایام» قلمداد کرده است.

حرفها دروغ است و کار از اینها گذشته.» اساساً خانزاد به مدافعه و تکذیب اظهارات روزنامه‌ها در ایران معتقد نیستیم. زیرا عدم آزادی عقیده و آزادی مجادله و مباحثه که خود مستلزم فقدان مراکز و محاکم لایقه و کافیه برای حفظ شرافت افراد مملکت از هتاکیهای نویسندگان بی‌وجدان و بالاخره حکمفرما بودن نظریات شخصی و پرسکوسیون Persecution‌های موقتی و موقتی موجب سلب اهمیت مطبوعات و مانع از دخول اشخاص با شرف در میدان معارضه و تکذیب و تردید است.

اما در این موقع نگارنده بامداد روشن ثالثی را نیز در این افترا دخیل نموده است و آن شخص شخیص اعلیحضرت همیونی و ذات اقدس شهریار است.

نظر به این نکته و نظر به اینکه عموم قارئین بدانند که نه خانزاد دارای عقایدی هستیم که باعث تفوه به این اظهارات در پیشگاه همیونی، و نه اعلیحضرت اقدس شهریار اجازت می‌دهند که در ساحت قدس آن آستان خانزاد یا دیگری جرئت ایراد چنین عباراتی که در مذهب، ملیت و سیاست سراسر کفر و به علاوه مستقیماً دشنام و لطمه به شرافت ذات اقدس همیونی است داشته باشیم لازم است خانزاد علناً تکذیب چنین مذاکره را نمایم.

به این ملاحظه در مقام جسارت برآمده عاجزانه از الطاف شاهانه استدعا دارد امر و مقرر فرمایند صاحب اختیار از طرف قرین الشرف ملوکانه ابلاغی به افتخار این غلام صادر نماید مبنی بر اینکه ذات شاهانه در تکذیب چنین اظهاری از طرف خانزاد در خاکپای مبارک شرکت می‌فرمایند. موجب افتخار و مباهات غلام و تأیید خدمتگزاری نوکران صدیق و خیرخواه خواهد بود.

غلام خانزاد - فیروز
روی پاکت فیروز نوشته است: «عریضه عاجزانه عبیدانه فیروز به خاکپای اقدس اعلی روحنا فداه است.»

یادداشت همراه نامه مذکور به خط صاحب اختیار چنین است:

«عنوان - در جواب عریضه به خاکپای مبارک اعلی ارواحنا فداه راجع به شرح مکتوب در مقاله اساسی شماره ۹ بامداد روشن عرض کرده بودید اعلیحضرت همیونی مقرر فرموده‌اند این جانب پس از ابلاغ مراجع شاهانه تکذیب این مذاکره و یا نظیر آن را از طرف شما در خاکپای همیونی اعلام نمایم.»

باید در دوره بامداد روشن دید که آیا از نصره الدوله تکذیبی درج شده است یا نه؟ امید است آقای فرید قاسمی چنین بنماید.

نصره الدوله که خود بعدها وزیر عدلیه شد تعجب است درین نامه از هتاکی روزنامه‌ها و ازین که روزنامه‌ای او را لیدر خائنین نوشته بر آشفته است. ولی خودش در همین نامه روزنامه‌نویسها را با صفت «بی‌وجدان» یاد کرده است.

۵۳۵- چاپهای حروفی قدیم (کلکته)

کتابهای فارسی که در کلکته میان سالهای ۱۷۷۷ تا ۱۷۹۱ طبع شده است.

(۱) انشاء هر کرن Harkaran که نام صحیحش Harikarana مولثانی است. در ۱۷۸۱

(۲) آیین اکبری از ابوالفضل بن مبارک (ترجمه انگلیسی) در سال ۱۷۸۳

(۳) شاهنامه، ترجمه انگلیسی از Champion. زدر ۱۷۸۵

(۴) منتخب عالمگیرنامه ترجمه شده توسط H. Vansittart در ۱۷۸۵

(۵) تزوکات تیموری تألیف ابوطالب اصفهانی به فارسی و انگلیسی چاپ D. Stuart در سال

۱۷۸۵

(۶) جواهر التألیف فی نوادر التصانیف، مجموعه‌ای از متفرقات و منتخبات توسط F. Gladwin با

استفاده از سر ویلیام جونز، توماس لا، ویلیام چامبرز، ویلیام کیرک پاتریک، هنری ون سی

تارت و جان گیل کریست در ۱۷۸۵

(۷) مرآت المسائل (مباحث فقهی) توسط F. Gladwin در ۱۷۸۶

(۸) جواهر التألیف فی نوادر التصانیف، جلد دوم. ۱۷۸۶

(۹) نامه‌های قاسم علی خان با ترجمه انگلیسی توسط J. Mulock در ۱۷۸۷

(۱۰) جواهرالتألیف فی نوادر التصانیف، جلد سوم. ۱۷۸۸

(۱۱) نقل وقایع بنگال در دوره جعفرخان و دیگران. ترجمه فرانسویس گلاوین در سال ۱۷۸۸

(۱۲) نامه‌های اورنگ زیب ترجمه شده از فارسی توسط Joseph Barles در ۱۷۸۸

(۱۳) پندنامه شیخ سعدی، ترجمه به انگلیسی در ۱۷۸۸

(۱۴) جواهر التألیف فی نوادر التصانیف، جلد اول ۱۷۸۸ (تجدید چاپ)

(۱۵) لیلی و مجنون‌ها تفی با مقدمه ویلیام جونز در ۱۷۸۸

(۱۶) عهدنامه تجارت میان کمپانی هند شرقی و شارلز ارنل کرن والیس به زبان فارسی و انگلیسی

و بنگالی در ۱۷۸۸

(۱۷) سیرالمتأخرین از غلامحسین خان طباطبائی به ترجمه انگلیسی در ۱۷۸۹

(۱۸) تحقیق در خصائص شعر فارسی توسط K. Champion در ۱۷۹۰

(۱۹) ترجمه فارسی مقررات دادگاهها در ۱۷۹۱

(۲۰) کلیات سعدی چاپ توسط Honorable Longamy تصحیح شده توسط Herbert

(از کتاب تاریخ چاپ در هندوستان نقل شد).

Harington در ۱۷۹۱

مقادیر زیادی از نامه‌های عبدالوهاب آصف‌الدوله شیرازی که از رجال برجسته عصر ناصری در شمار بود به اهتمام ستایش انگیز و با مقدمه دلکش دانشمند گرامی دکتر عبدالحسین نوایی و همکاری خانم نیلوفر کسری در دو مجلد نشر شده است. این نامه‌ها مربوط به دوزان والیگری آصف‌الدوله در خراسان و بیشکاری گیلان و تصدی وزارت تجارت اوست. نامه‌ها مهم است و پر مطلب، و حالات و روحیات شخصی و اخلاقی آصف‌الدوله از آنها به نیکویی دریافتنی است. می‌دانیم که او را در همان اوقات والیگری خراسان به جنون متصف کرده بودند و در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه موارد متعددی درین مقوله هست. آصف‌الدوله مرد دانشمند و ادب شناس بود.

در میان نامه‌های او عریضه‌ای است به شاه درباره مقبره فردوسی. مضمونی از همان نامه را به محمودخان ملک الشعرا هم فرستاده بوده است و هر دو در این مجموعه به چاپ رسیده. چون این مطلب درباره تاریخ آرامگاه فردوسی در جایی نقل نشده و ممکن است لای این نامه‌ها هم گمگشته بماند مناسب دیده شد درینجا نقل شود. تا مشخص باشد که مقام فردوسی همیشه شاخص و مورد احترام بوده است. از نامه‌ای که به ملک‌الشعرا نوشته فقط موارد تازه آن نقل می‌شود و از آوردن آنچه عیناً در عریضه به شاه مندرج است خودداری می‌شود.

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت گرم
ایران و اول شیعه بود که در زمان خود چنانچه بر رأی همایونی معلوم است تقیه نکرده حرف را پوست کنده زده و ترسیده، مقبره این شخص در طوس واقع است. گویا از قدیم باغچه و ریاطی داشته و جائی بوده که حالا به کلی منهدم و منطمس شده. غلام آدم فرستاد جای قبر را معین کردند. پارچه سنگی از قبر باقی است.

پرنس آلبرت شوهر ملکه انگلیس چون اهل علم و صنعت را دوست می‌داشت آنها هم او را زیاد دوست می‌داشتند، بعد از فوت او همه جمع شدند مقبره برای او ساختند که پنج سال اتمام او طول کشید. آنچه می‌گویند زیاده از ده میلیون لیره که امروز سی کرویر تومان ایران است در آنجا خرج شده. در شورای طرح قرار دادند که در چهار رکن این عمارت صورت چهار نفر که در فنون علم و بیان منفرد باشند با سنگ مرمر مجسمه او را با لباس همان زمان بسازند و نصب نمایند. یکی از آن اربعه متناسبه فردوسی را انتخاب کرده و ساختند و آن بنا حالا بیرون شهر لندن موجود و از اول بناهای عالم و تماشاگاه سیاحان دنیا است. ذات اقدس همایون روحانفاده هم البته در سفر فرنگستان آن بنا را مشاهده فرموده‌اند. حالا شایسته است قبر همچو آدمی در ایران

معدوم و بی اثر بماند؟ و تا به حال احدی هم به این خیال نیفتاده.

حالا غلام خیال دارد ان شاء الله تعالی به اقبال همایون روحنا فداء اول بهار قبر را بسازد. رباط حالا در آنجا بی حاصل است. حیاط و بقعه و باغچه‌ای ساخته شود، خادم و باغبانی معین شود و یک ملک مختصر که سالی پنجاه شصت تومان نقد و بیست خرواری جنس حاصل آن باشد وقف بر مصارف آن کرده جزو موقوفات آستانه مقدسه نظارتش با متولی هر عصر باشد و به شرایط مخصوصه که در وقفنامه ضبط و در دفتر آستانه است رفتار شود و ان شاء الله تعالی به هیچ جا هم ضرر نخواهد داشت.

این همان فردوسی است که گفته است «عجم زنده کردم بدین پارسی» و خدا می داند راست گفته است. حیف است قبر او در ایران معلوم نباشد. الامرالاقدرس الارفع الاعلی مطاع.

□

این ملفوفه متعلق به ملک الشعرا است

فدایت شوم شب‌ها بعد از قدری آسودگی شاهنامه می خوانم. در قصه رودابه و زالم. خدا گواه است گویا بنده ابدأ شعر فردوسی ندیده بودم، نمی دانم این چه بوده. این که دخلی به هیچ بیان ندارد. با این پارسی هیچ شعرش که خالی از نکته [و] لطیفه نباشد. این چه قدر آداب مجلس و لوازم معاشقه با شأن و بزرگی می دانسته هزار بار از همه این بالاتر است. شعر نیست گویا همه میوه یک درخت است که طبیعت ایجاد کرده. عرب هم خاصه جاهلیین مغازلات خوب دارند که جناب عالی بیش از همه دیده‌اید. همه مغازله اعراب به اعتقاد بنده با ده شعر این مرد برابر نیست.

از شعر فردوسی غریب‌تر البته شنیده‌اید بعد از فوت پرنس آلبرت... (دنباله مطلب همان است که در عریضه به شاه آمده است).

از این غریب‌تر قصه قبر فردوسی در طوس است که اگر یک سال دیگر من به این خیال نیفتاده بودم معدوم می شد. فرستادم جای قبر را معین کردند. پارچه سنگی از قبر باقی بود گویا رباطی هم داشته و باغچه‌ای به کلی خراب و منظمس. نذر کردم که ان شاء الله تعالی بهار قبر را تجدید کرده (دنباله همان است که در عریضه آمده است).

این فردوسی است که می گوید «عجم زنده کردم بدین پارسی» و خدا گواه است راست می گوید.

۵۳۷ - مجمع نسخه‌های خطی

روزهای هشتم تا دهم فروردین ماه ۱۳۸۰ به ابتکار مؤسسه آلمانی شرق در استانبول (وابسته به انجمن شرقشناسان آلمان) مجمع علمی به نام «راههای نظری درباره نقل و تصحیح

نسخه‌های خطی اسلامی» تشکیل و بیست و دو سخنرانی در آنجا عرضه شد. این مجمع با دو گفتار کوتاه یکی از رئیس دانشگاه استانبول و دیگری توسط متصدی مؤسسه شرقی آلمان در بیروت آغاز شد. سخنرانیهای مجمع در یازده «پانل» طی سه روز انجام شد. به هر پانل عنوانی خاص داده شده بود. بدین معنی که گفتارهای متناسب به یکدیگر با هم ایراد می‌شد. نام پانلها و گفتارها چنین بود.

جلسه آغازین:

(۱) وداد القاضی (بانوی لبنانی) از دانشگاه شیکاگو: مصححان و مشکل انتخاب برای آنان.
(۲) S. Ipert (مدیر مرکز حفاظت کتاب در فرانسه): مسائل خطوط و چند زبانگی کشورهای مدیترانه در اینترنت و طرح اروپایی نسخه‌های خطی آن منطقه.

جلسه دوم - متن و مجلس (تصویر):

(۳) Sh. Blair (استاد تاریخ هنر اسلام و آسیا در کالج بوستون امریکا): کتابت و تصویر جامع التواریخ رشیدی

(۴) J. J. Witkam (مسئول نسخه‌های خطی شرقی - مجموعه وارنر - در دانشگاه لیدن): نسخه‌های دلائل الخیرات، مجموعه ادعیه تألیف رایج و مشهور جدولی در میان گروههایی از اهل تسنن.

جلسه سوم - نقل و ترجمه:

(۵) B. Coulie (رئیس مؤسسه شرق شناسی دانشگاه کاتولیک لوون بلژیک): راه و روش انتخاب متون در نشر کارهای گرگوری ناتانزیوس

(۶) A. Peacock دانشجوی رشته دکتری دانشگاه کمبریج: کیفیات متنی نسخه‌های قدیم ترجمه بلعمی از تاریخ طبری

(۷) J. Pfeiffer (بانوی آلمانی) از بخش خاور نزدیک دانشگاه شیکاگو: نظریه‌هایی درباره تصحیح متن پیچیده تجزیه الامصار و تجزیه الآثار تألیف و صاف الحضرة.

جلسه چهارم - سنتهای سماعی و کتابتی:

(۸) A. Adanakar (هندی) از دانشگاه شیکاگو: مشکلات انتقادی در تصحیح مهاباراتا

(۹) M. Kropp از دانشگاه ماینتر آلمان و مدیر مؤسسه شرقی در بیروت: تصحیح متون حبشی

جلسه پنجم: دنباله پیش

(۱۰) I. Nyitari از گروه مطالعات ایرانی دانشگاه بوداپست: شاهنامه سرایی عثمانیان به گرده

۱۱) D. De Weese از گروه مطالعات اورال و اکتایی دانشگاه ایندیانا ای آمریکا: ملفوظات احمد یسوی مرز میان گفتار و نوشتار.

جلسه ششم: کتابخانه‌ها

۱۲) M. Alpay (بانو) مدیر کتابخانه دانشگاه استانبول: نسخه‌های خطی پس از زلزله ۱۹۹۹

۱۳) M. Bayram استاد دانشگاه قونیه: کتابخانه صدرالدین قونوی (ولی نتوانست حضور پیدا کند)

جلسه هفتم: دنباله پیش

۱۴) N. Kaya مدیر کتابخانه سلیمانیه: مجموعه راغب پاشا

۱۵) T. Çavdar (بانو) گروه کتابداری دانشگاه استانبول: کتابخانه‌های وقفی عثمانی

جلسه هشتم: کتابت

۱۶) فؤاد سید ایمن از مصر: اثرات حافظین کتابخانه‌های قدیم در استکتاب نسخه‌های عربی

۱۷) T. Déroche استاد دانشگاه پاریس و متصدی مؤسسه مطالعات نسخ خطی خاورمیانه: میزان کار وراقان و عوامل مربوط به اقتصاد کتاب.

جلسه نهم: تصحیح متون به شیوه‌های بومی

۱۸) A. Gacek (کانادا): گروه بندی نشانه‌های غلط و رموز تصحیح در کتابت نسخه‌های عربی

۱۹) مطبعة الجوائب (قسنطنطیه) و چاپ متون عربی در قرن نوزدهم

جلسه دهم: تئوری تصحیح

۲۰) W. Berschin (آلمان) «لاخمان» و نسخه اساس (لاخمان واضح نظریه اصول تصحیح متون بوده است)

۲۱) A. Kleinlogel (آلمان) نسخه بدل و تجز آن.

جلسه یازدهم: امور عملی تصحیح

۲۲) ایچی مانو (ژاپون): طرز تصحیح نسخه جفتایی بابرنامه

۲۳) ایرج افشار: مشکلات تصحیح متون فارسی و احترام به حفظ اصالت نسخه‌ها

آقای دکتر اصغر مهدوی هم از ایران درین مجمع شرکت کرده بود. این مجمع زیر نظر دکتر کروپ رئیس مؤسسه آلمانی شرق در بیروت و خانم یودیت فیفر محقق آلمانی - فعلاً مقیم شیکاگو - اداره شد و مخصوصاً خانم فیض نظم و ترتیب جلسات را مدیرانه و مدبرانه رعایت کرد.